

ایجاد ترس از اعمال خشونت به مثابه‌ی تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان

سید محمد حسینی * امیر اعتمادی **

(تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۸)

چکیده:

اگرچه نتیجه‌ی رفتارهای مجرمانه علیه اشخاص غالباً به صورت نوعی صدمه‌ی جسمانی جلوه‌گر می‌شود، اما در برخی موارد، رفتار ارتكابی ممکن است به ایجاد صرف ترس و وحشت در بزه‌دیده منتهی شود، ترس از این که در آینده‌ی نزدیک خشونت علیه او به کار گرفته خواهد شد. در این موقعیت‌ها، بزه‌دیده بدون این که بر اثر ترس ایجادشده اقدامی علیه خود یا دیگری انجام دهد، از قبیل این که صدمه‌ای وارد آورد، دچار نوعی صدمه‌ی روانی می‌شود، به گونه‌ای که می‌توان گفت تمامیت روانی وی مورد تهاجم قرار گرفته است. در نظام کیفری انگلستان، این نوع تهاجم واجد عنوان مجرمانه‌ی معینی می‌باشد، اما قانون‌گذار ایرانی به ارتكاب این گونه رفتارها به طور خاص توجه نکرده است، به طوری که دادگاه‌ها ناگزیر به تعیین ارزش متمایل شده‌اند. این در حالی است که بررسی تطبیقی رفتارهای یادشده در دو نظام کیفری ایران و انگلستان، حکایت از لزوم جرم‌انگاری و نیز تعیین مجازات تعزیری متناسب برای آن‌ها، به صورت خاص دارد.

واژگان کلیدی: تهاجم، ترس، اعمال خشونت، قریب الوقوع بودن.

* دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

** دکتر در حقوق کیفری و جرم‌شناسی از دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (نویسنده‌ی مسئول):

مقدمه؛

گاهی اوقات، ارتکاب رفتاری از سوی مرتکب منجر به ایجاد ترس از مورد خشونت قرار گرفتن در بزه دیده می گردد، به نحوی که این تأثیر رفتار مرتکب جزء عناصر تشکیل دهنده ی جرم محسوب می شود. به تعبیر بهتر، ارتکاب جرم مقید به تحقق نتیجه ی خاصی است که این نتیجه در قالب ایجاد ترس و وحشت از خشونتِ قریب الوقوع در بزه دیده متبلور می شود. افزون بر این، رفتار ارتكابی منتهی به ایراد صدمه یا مرگ^۱ شخصی نمی شود تا این که مشمول موادی مانند ۴۹۹ و ۵۰۱ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ گردد. در واقع، در رفتارهای مجرمانه ی مورد بحث، آنچه بر اثر رفتار مرتکب رخ می دهد، صرفاً ایجاد ترس از خشونت است که گاهی به نوعی حالت روانی در بزه دیده نظیر اختلال استرس پس از سانحه^۲ می انجامد،^۳ نه این که بزه دیده دچار احساس وقوع خشونت بر خود شود و بر اثر آن، صدمه یا مرگی روی دهد.

از این رو، باید پذیرفت که صرفاً ایجاد ترس از خشونت در دیگران، گونه ای از تهاجم علیه تمامیت روانی اشخاص است. البته، ایجاد ترس در برخی عناوین مجرمانه ی دیگر نیز جزئی از عناصر تشکیل دهنده ی جرم به شمار می آید، با این حال، این دسته از رفتارهای مجرمانه، مقتضیات خاص خود را دارا هستند که موجب تفاوت آن ها با رفتار مجرمانه ی مورد بحث می شود. برای مثال، طبق ماده ی ۲۷۹ «ق.م.ا» ۱۳۹۲، قصد ارباب مردم از عناصر خاص جرم محاربه است که به صورت سوء نیت خاص لازم برای آن لحاظ می شود^۴، اما نتیجه ی لازم برای تحقق جرم همانا

1. Post-traumatic stress disorder

۲. این اختلال در اصل به علائم اضطراب حاد که به دنبال فرار از مرگ حتمی در جبهه ی جنگ، تصادف، یا سانحه ی طبیعی شروع می شود، اطلاق می گردد. معمولاً بیمار در جریان واقعه کنترل خود را حفظ می کند، اما بعضی از افراد در ضمن خطر دچار واکنش هراس می گردند که با وحشت زدگی، تلاش بی ثمر برای فرار مشخص بوده و ممکن است در دیگران نیز واکنش هراس به وجود آورد. این بیماران وحشت زده بی نهایت تلقین پذیر می باشند و به آسانی قابل هیپنوتیزم هستند و می توان آن ها را به اطاعت دستورها در مورد رفتار مناسب وادار نمود (پورافکاری ۱۳۹۱: ۱۱۵۶).

۳. لازم به ذکر است که قصد ارباب مردم از سوی تمامی فقهای امامیه ضروری دانسته نشده است، به طوری که شهید ثانی در تبیین محاربه آورده است: «... قصد الاخافه ام لا علی اصح الاقوال» یعنی اعم از آن که قصد ترساندن مردم را داشته باشد یا

ایجاد ناامنی در محیط است^۱ که بر اثر کشیدن سلاح از سوی مرتکب به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها پدید می‌آید. افزون بر این، نوعی عمومیت در این جرم ضروری دانسته شده است (ر.ک. میرمحمد صادقی ۱۳۹۲: ۴۷ تا ۴۹؛ پور بافرانی ۱۳۹۰: ۱۳۵ تا ۱۵۱؛ پیمانی ۱۳۸۹: ۶۱ تا ۶۴؛ شاهرودی ۱۳۷۸: ۲۰۹ تا ۳۰۹؛ موسوی بجنوردی ۱۳۸۷: ۱۵۰ تا ۱۸۳)، این در حالی است که شرایط اشاره شده در رفتارهای مجرمانه‌ی مورد بحث لازم نیستند.

با توجه به مطالب بالا، پرسش‌های قابل طرح در این تحقیق به قرار زیر می‌باشند:

- واکنش نظام کیفری ایران و انگلستان در قبال این نوع از ایجاد ترس در اشخاص چگونه است؟
- رویکرد قانون‌گذار ایرانی در مقایسه با قانون‌گذار انگلیسی دارای چه وجوه مثبت یا منفی می‌باشد؟

در پاسخ به این سؤالات، در وهله‌ی اول، باید دانست که در حقوق کیفری انگلستان، در مواردی که رفتار مرتکب موجب ایجاد ترس به شکل فوق‌الذکر در بزه‌دیده می‌شود، زیر عنوان «تهاجم ساده» قابل تعقیب است، اما در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه‌ی مستقلی وجود ندارد که به این مورد اختصاص یافته باشد؛ بنابراین، ضمن تحلیل عناصر تهاجم ساده در انگلستان، رویکرد دادگاه‌های کیفری ایران در قبال این قبیل رفتارها بررسی می‌گردد و با شناخت ابعاد مختلف

نداشته باشد، بنا بر قول صحیح‌تر (شهید ثانی ۱۳۹۲: ج ۱۳/۲۳۳). در خصوص مفهوم ترساندن مردم در جرم محاربه، ر.ک. فاضل لنکرانی ۱۳۹۰: ۳۲۸-۳۲۶.

۱. برخی بر این باورند که نتیجه‌ی لازم برای تحقق محاربه آن است که در خارج موجب رعب و وحشت شود (زراعت (الف) ۱۳۹۳: ۲۹۹)؛ این در حالی است که ماده‌ی ۲۷۹ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ بر سلب امنیت تأکید کرده است، نه ایجاد وحشت. در واقع، باید گفت که پدید آمدن ناامنی در محیط مفهومی عام دارد که ممکن است بر اثر ایجاد وحشت در مردم نیز حاصل شود، اما ایجاد رعب و وحشت ضروری دانسته نشده است. برداشت یادشده با توجه به تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۱۸۳ «ق.م.ا» ۱۳۷۰ تقویت می‌شد، زیرا این تبصره مقرر می‌کرد: «کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود، محارب نیست»؛ توضیح آن که تغییر عبارات قانون‌گذار در ماده‌ی ۲۷۹ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ از جمله تصریح به ایجاد ناامنی در محیط و عدم اشاره به لزوم ایجاد رعب و وحشت، مؤید آن است که پدید آمدن هراس ضرورتی ندارد.

2. Common assault

رویکرد یادشده و مقایسه‌ی آن با نظام کیفری انگلستان، به نتیجه‌گیری و ارائه‌ی راهکار پرداخته می‌شود.

۱. تبیین مفهوم ایجاد ترس از اعمال خشونت؛

ایجاد ترس از خشونت (تهاجم ساده) در حقوق کیفری انگلستان، نوعی تهدید به عنف جسمانی علیه شخص دیگر است، اما اعمال خشونت جسمانی از جمله شرایط لازم برای تحقق این جرم به شمار نمی‌آید. این جرم که با عناوینی مانند «تهاجم روانی»^۱ یا «تهاجم به معنای قانونی کلمه»^۲ نیز شناخته می‌شود، به شرح زیر قابل تعریف است:

عملی که شخص به وسیله‌ی آن سبب می‌شود، دیگری به‌طور معقولی از اعمال فوری خشونت جسمانی غیرقانونی نسبت به خودش بهراسد (Curzon, L. B. and Richards, P. H. 2007: 37 & 38)؛

این جرم زمانی روی می‌دهد که شخصی تلاش کند تا به‌صورت فیزیکی به دیگری صدمه وارد آورد، به‌نحوی که موجب شود، شخص مورد هجوم بی‌درنگ احساس خطر کند. تماس جسمانی واقعی ضروری نیست؛ حرکات تهدیدآمیز که هر شخص متعارفی را به وحشت اندازد، می‌توانند تهاجم را شکل دهند (Hill, Gerald N. and Thompson Hill, Kathleen 2009: 31).

هم‌چنین، در تبیین مفهوم این عنوان مجرمانه گفته شده است، هرگونه نمایش زور و قدرت به‌نحوی که بزه‌دیده را هراسناک کند یا در انتظار صدمه‌ی بدنی باشد. به‌این ترتیب، این رفتار مجرمانه بدون این که عملاً ضربه‌ای زده شده باشد، تحقق می‌یابد (آقائی ۱۳۸۲: ۱۰۲). با در نظر گرفتن این توضیحات روشن می‌شود که در تهاجم ساده هیچ‌گونه ایراد صدمه‌ی جسمانی به بزه‌دیده ضروری نیست، بلکه مهم‌ترین رکن این جرم پدید آمدن ترس از اعمال خشونت در

-
1. Psychic assault
 2. Technical assault

بزه‌دیده است.^۱ افزون بر این، باید خاطرنشان کرد که اگرچه در جرم تهدید و اخاذی، برخی ویژگی‌های این جرم وجود دارد (ر.ک. حاجی ده‌آبادی و اعتمادی ۱۳۹۴: ۵۶ - ۳۱)، از قبیل عدم لزوم تماس جسمانی و یا اعمال خشونت^۲، با این همه، جرم مورد بحث، ارکانی را دارا است، نظیر شرط فوری بودن خشونت مورد ترس و یا مقید بودن به نتیجه‌ی خاص که در جرم تهدید و اخاذی مطرح نیستند.

۲. پیشینه‌ی قانون‌گذاری ایجاد ترس از اعمال خشونت؛

به‌رغم این که تهاجم ساده جرمی مبتنی بر کامن‌لا^۳ است، به این معنا که شکل‌گیری این عنوان مجرمانه به تصمیم‌های قضات رسیدگی‌کننده به پرونده‌ها برمی‌گردد، اما بنا به گفته‌ی برخی حقوقدانان انگلیسی، این جرم آن‌چنان قدیمی است که آغازش در نظام کیفری انگلستان گم شده است. با این وجود، تبیین عناصر این جرم با توجه به رویه‌ی قضایی صورت می‌گیرد (See Carr, Claudia and Johnson, Maureen 2013: 98).

در حال، تهاجم ساده از سال ۱۹۸۸ به‌عنوان جرمی کیفری و مبتنی بر قانون مدون تعریف شد و طبق ماده‌ی ۳۹۴ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸^۴ قابل‌رسیدگی و مجازات گردید. اگرچه این قانون با اصلاحاتی روبرو شده، اما در خصوص جرم مورد بحث همچنان بدون تغییر باقی مانده است.

۱. به همین خاطر، گاهی اوقات از جرم مورد بحث زیر عنوان «تهاجم محض» (Pure Assault) نیز یاد می‌شود (ر.ک. کار و جانسن ۱۳۹۶: ۱۷۵).

۲. باید متذکر شد که عملی کردن تهدید، مانع از اعمال مجازات جرم تهدید است؛ دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۱۶۲۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶، شعبه‌ی ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران (پژوهشگاه قوه‌ی قضائیه ۱۳۹۵: صص ۸۶۴ و ۸۶۵).

3. Common law offence

۴. لازم به ذکر است که در مقررات مدون نظام کیفری انگلستان، از حرف S مخفف واژه‌ی Section به معنای بخش استفاده می‌شود. با این وجود، واژه‌ی یادشده را می‌توان معادل «ماده قانونی» در نظر گرفت.

5. S. 39 of the Criminal Justice Act 1988

با توجه به مفهومی که از جرم تهاجم ساده ارائه شد، در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه‌ی مشابهی در قوانین سابق و کنونی یافت نمی‌شود، زیرا همان‌طور که اشاره شد، در تهاجم ساده هیچ‌گونه صدمه‌ی جسمانی وارد نمی‌آید، بلکه رفتار متهم صرفاً موجب ایجاد ترس از خشونت در دیگری می‌شود. در واقع، اگر ترس ایجاد شده در بزه‌دیده به اندازه‌ای باشد که به نوعی بیماری روانی بینجامد (بدون این که به حد جنون برسد) و منشأ ایجاد آن ایراد صدمه‌ی جسمانی هر چند خفیف از سوی مرتکب باشد، ممکن است با عنوان ایراد ضرب و جرح قابل تعقیب باشد. با این حال، رویه‌ی قضایی ایران گاهی اوقات برای دسته‌ای از رفتارها که منجر به ایجاد استرس حاد یا ترس و وحشت در دیگران شده است، به تعیین ارش مبادرت کرده است که این رویکرد دادگاه‌های ایران در تحلیل عناصر اختصاصی جرم مورد بحث بررسی خواهد شد. در اینجا تنها به ذکر این مطلب بسنده می‌شود که تعیین ارش برای جنایاتی که شرعاً مقدار خاصی دیه برای آن در نظر گرفته نشده باشد، نخست به موجب ماده‌ی ۷۵ قانون دیات ۱۳۶۱ مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفت، سپس طبق ماده‌ی ۳۶۷ «ق.م.ا.»^۱ و سرانجام بر اساس ماده‌ی ۵۵۹ «ق.م.ا.»^۲ ۱۳۹۲ امکان صدور چنین حکمی تصویب شد.

۳. عنصر قانونی ایجاد ترس از اعمال خشونت؛

علی‌رغم این که تهاجم ساده در حقوق کیفری انگلستان، جرمی کاملاً است، اما نظر به این که قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ وجود این جرم را تصدیق کرده است، باید طبق ماده‌ی ۳۹ این قانون مورد تعقیب قرار گیرد. ماده‌ی مذکور در خصوص جرم تهاجم ساده (ایجاد ترس از خشونت)

۱. این ماده مقرر می‌داشت: «هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شد و شرعاً مقدار خاصی به‌عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد، جانی باید ارش پردازد».

۲. متن ماده‌ی ۳۶۷ «ق.م.ا.» ۱۳۷۰ بدون هیچ تغییری در عبارات دقیقاً به‌مانند ماده‌ی ۷۵ قانون دیات ۱۳۶۱ است؛ ر.ک. پاورقی قبل.

مقرر می‌دارد: «تهاجم ساده و ایراد ضرب^۱، جرایم اختصاری^۲ خواهند بود و شخص مقصر به هر کدام از آن‌ها می‌بایست به پرداخت جزای نقدی که از سطح ۵ در درجه‌بندی پذیرفته‌شده [مقرر شده]^۳ تجاوز نکند، حبس برای مدتی که متجاوز از ۶ ماه نباشد، یا هر دو، محکوم گردد»^۴؛ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این ماده قانونی به تعیین نوع و میزان مجازات جرم بسنده کرده است و نمی‌تواند برای تبیین عناصر اختصاصی تهاجم ساده راهگشا باشد. از این رو، مراجعه به پرونده‌های دادگاه‌های انگلستان برای بررسی عناصر جرم لازم است؛ موضوعی که به هنگام تحلیل این جرم مدنظر قرار می‌گیرد.

در مقابل، در حقوق کیفری ایران، با پذیرش رویکرد رویه‌ی قضایی، باید به مفاد ماده‌ی ۵۵۹ «ق.م.ا»^{۱۳۹۲} اشاره کرد. در این ماده مقرر شده است: «هرگاه در اثر جنایت صدمه‌ای بر عضو یا منافع وارد آید، چنانچه برای آن جنایت در شرع دیه مقدر یا نسبت معینی از آن به شرح مندرج در این قانون مقرر شده باشد، مقدار مقرر و چنانچه شرعاً مقدار خاصی برای آن تعیین نشده ارش آن قابل مطالبه است»؛

۱. این ماده به‌طور مشترک به هر دو جرم تهاجم ساده و ایراد ضرب مربوط می‌شود.

۲. جرایم اختصاری به معنای آن دسته از جرایمی می‌باشند که تشریفات رسیدگی به آن‌ها کمتر است، از جمله این که در محاکمه‌ی مجرمان این جرایم، هیئت منصفه حضور ندارد. جرایم مورد بحث که دارای ماهیت کمتر شدیدی هستند، تنها در دادگاه‌های صلح رسیدگی می‌شوند. برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی مفهوم این جرایم، ر.ک. Huxley-Binns, Rebecca and Martin, Jacqueline 2014: 167

۳. این اصطلاح به درجه‌بندی جزای نقدی اشاره دارد که به وسیله‌ی قانون عدالت کیفری ۱۹۸۲ مطرح شد و بنابر قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ اصلاح گردید. درجه‌بندی یاد شده که برای محاسبه‌ی میزان جزای نقدی از سوی دادگاه‌های انگلستان به کار گرفته می‌شود، از سطح ۱ تا ۵ در نوسان می‌باشد و هر سطح دربرگیرنده‌ی حداکثر جزای نقدی است که می‌تواند مورد حکم قرار گیرد. بر این اساس، باید اضافه کرد که میزان جزای نقدی در سطح ۵ از درجه‌بندی مورد بحث، حداکثر پنج هزار پوند است. برای مطالعه‌ی بیشتر در این خصوص، ر.ک.

<http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1982/48/part/III/crossheading/introduction-of-standard-scale-of-fines#commentary-c1933859>

4. Common assault and battery shall be summary offences and a person guilty of either of them shall be liable to a fine not exceeding level 5 on the standard scale, to imprisonment for a term not exceeding six months, or to both.

تحلیل رویکرد دادگاه‌های ایران به مباحث آتی موکول می‌شود، اما در اینجا باید متذکر شد که صرف‌نظر از برخی تغییرات در عبارات این ماده قانونی (نسبت به مواد قانونی سابق)، اضافه شدن عبارت «یا منافع» در کنار عضو، قابل توجه می‌باشد.

۴. عنصر مادی ایجاد ترس از اعمال خشونت؛

نظر به این که رفتار مجرمانه‌ی مورد بحث از جرایم مقید به شمار می‌آید، اجزاء سه‌گانه‌ی عنصر مادی جرم در مورد آن مصداق دارد. این اجزاء عنصر مادی با توجه برخی پرونده‌های انگلیسی و آراء دادگاه‌های ایران به خوبی قابل تحلیل می‌باشند.

۴-۱. رفتار فیزیکی؛

رفتار فیزیکی لازم برای جرم مورد بحث محدود به گونه‌ی خاصی نیست، بلکه گستره‌ی وسیعی را در بر می‌گیرد، به نحوی که علاوه بر فعل یا ترک فعل، با گفتار نیز می‌تواند ارتکاب یابد. افزون بر این، از آنجا که تحقق جرم تهاجم روانی مستلزم هیچ صدمه‌ی جسمانی نیست، محدودده‌ی رفتار فیزیکی آن وسیع‌تر نیز می‌گردد؛ بنابراین، برای مثال، اگر متهم سلاح گرمی را به سوی بزه‌دیده نشانه برود، چاقویی را به طرف وی بگیرد، یا حرکات تهدید آمیزی را علیه او انجام دهد، با وجود سایر شرایط، تهاجم ساده رخ می‌دهد (Loveless, 2012: 517). در این راستا، مثال سنتی‌ای قابل ذکر است: متهم به بزه‌دیده نزدیک می‌شود و می‌گوید: «تو دردسر افتادی» و با تکان دادن مُشت، او را تهدید می‌کند. تردیدی نیست که بزه‌دیده از اعمال خشونت به هراس می‌افتد، لذا با وجود سایر شرایط لازم (از جمله وجود عنصر روانی مورد نیاز) متهم به علت تهاجم ساده مقصر شناخته خواهد شد (هرینگ ۱۳۹۲: ۷۵).

سابقاً تصور می‌شد که گفتار به تنهایی نمی‌تواند منجر به تهاجم ساده شود، اما این عقیده دیگر قانون نیست. گفتار می‌تواند منتهی به فعلی شود که چه بسا به نحو دیگری چندان تهدید آمیز نباشد. در مواردی که متهم مُشت خود را بالا می‌برد و به بزه‌دیده می‌گوید: «اگر روز عید میلاد مسیح

نبود، تو را می‌زدم»، این گفته دلالت بر آن کند که بلند کردن مُشت تهاجم ساده نبوده است، درحالی که بدون این گفته، عمل یادشده به‌خوبی می‌توانست تهاجم موردبحث باشد (همان: ۷۶). به‌هرحال، در برخی پرونده‌های رسیدگی شده از سوی دادگاه‌های انگلستان، حتی سکوت موجب تحقیق این جرم دانسته شده است. در این راستا، در پرونده‌ی آیرلند ۱۹۹۸^۱، متهم چندین بار به تعدادی زن تلفن کرده و سکوت می‌کرد. بزهدیدگان زن ادله‌ای را ارائه کردند، مبنی بر این که در اثر این عمل وحشت‌زده شده، اما نمی‌توانستند توضیح دهند که از چه چیزی ترسیده بودند. محکومیت به خاطر تهاجم روانی از سوی مجلس اعیان تأیید و مقرر شد که گفتار به‌تنهایی یا سکوت می‌توانسته مبنای جرم تهاجم روانی را تشکیل دهد، چراکه بزهدیدگان آگاهی نداشتند که متهم بعدازآن قصد انجام چه کاری را داشته است، احتمالاً می‌ترسیدند که تلفن‌کننده به در خانه‌ی آن‌ها بیاید و ظرف یک یا دو دقیقه‌ی آینده به آنان حمله کند (See also, Storey & Lidbury, 2009: 137). البته، باید توجه داشت که در چنین مواردی، رفتار ارتكابی شامل صرف سکوت به معنای واقعی کلمه نیست، بلکه سکوت همراه با عملی نظیر تلفن کردن است.

به همین ترتیب، در پرونده‌ی کانستزا^۲ ۱۹۹۷، متهم در خلال دوره‌ی دو ساله‌ای دنبال بزهدیده افتاده و تماس‌های تلفنی بی‌کلام و متعددی با او قرار می‌کرد. وی هم‌چنین بالغ بر ۸۰۰ نامه به او نوشت. بزهدیده دو مورد از نامه‌های فرستاده‌شده را تهدید به شمار آورد. زن باور داشت که متهم به‌این‌وسیله تلنگری زده و احتمال دارد که در هر زمانی به او حمله کند. متهم محکوم به ارتكاب تهاجم روانی شد و مقرر شد که هنگامی که زن دو نامه‌ی آخر را خوانده، تهاجم روی داده است (Geary 2002: 57 & 58). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این پرونده نیز متهم با ارتكاب رفتار خود (از جمله تماس‌های تلفنی بدون کلام) موجب ترس از اعمال خشونت در بزهدیده شده، لذا جرم موردبحث تحقق یافته است. بااین‌وجود، برخی حقوق‌دانان انگلیسی از این موضع انتقاد کرده‌اند، با این استدلال که چگونه بزهدیده بعد از دریافت ۸۰۰ نامه که هیچ‌یک منتهی به ایراد

1. Ireland [1998] AC 147

2. *R v Constanza* [1997]

خشونت نشدند، پس از خواندن یک یا دو نامه‌ی خاص که متهم نمی‌دانسته است، در چه زمانی خوانده خواهد شد، به یک‌باره از اِعمال خشونت نسبت به خود ترسیده است؟ به نظر می‌رسد که باید قائل به آن شد که بزه‌دیده پس از دریافت نامه یا تماس تلفنی، نه از خشونت جسمانی بلکه از خشونت روحی می‌هراسد، چراکه تماس‌های تلفنی یا نامه‌ها موجب ورود ضربه‌ی روحی فوری (اعم از دلواپسی، اضطراب، نگرانی و غیره) می‌شود (کلارکسون ۱۳۹۱: ۸).

در حقوق کیفری ایران نیز قلمرو رفتار فیزیکی در پرونده‌های مربوط به ایجاد استرس حاد یا ترس و وحشت محدود به موارد معینی نشده است، به طوری که رفتار ارتكابی در عین حال ممکن است با عنوان مجرمانه‌ی دیگری نیز قابل تعقیب باشد. باین وجود، آنچه از برخی آراء دادگاه‌های ایران می‌توان برداشت کرد، این است که ایجاد ترس و وحشت در رویه‌ی قضایی بیشتر به مواردی مربوط می‌شود که رفتار فیزیکی به صورت فعل نمود می‌یابد تا ترک فعل یا گفتار؛ از قبیل این که مرتکب با سنگ زدن یا شلیک گلوله به طرف بزه‌دیده سعی می‌کند که به او صدمه‌ای وارد آورد، اما ناکام می‌ماند، چراکه درست هدف‌گیری نکرده است و سنگ پرتاب شده یا گلوله‌ی شلیک شده به خطا می‌رود. در نتیجه، با وجود این که عمل ارتكابی نوعی جرم عقیم تلقی می‌شود (استفانی و همکاران ۱۳۸۳: ۳۲۹)، موجب ترس بزه‌دیده از اِعمال خشونت خواهد شد. به عنوان نمونه، در یک پرونده که مرتکب که به اتهام تسبیب در ایراد صدمه‌ی بدنی تعقیب شده بود، به موجب رأیی از دادگاه عمومی جزایی قم به علت پدید آوردن استرس حاد در بزه‌دیده، به استناد مواد ۴۴۹ و ۵۵۹ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ از باب ارش به پرداخت نیم درصد دیه‌ی مرد در حق مصدوم محکوم شد.^۱

باین همه، مطلب بالا به این معنا نیست که سایر گونه‌های رفتار هم چون گفتار نتوانند موجبات تحقق ترس و وحشت را فراهم کنند، مانند این که مرتکب با تهدیدهای لفظی خود در بزه‌دیده ترس از اِعمال خشونت را به وجود آورد. هم‌چنین، در این رابطه می‌توان به ماده‌ی ۶۷۵ «ق.م.ا»

۱. دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۳۰۹۹۷۲۵۱۰۲۰۰۵۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۹، شعبه‌ی ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی قم، مطالعه‌ی موردی.

۱۳۹۲ نیز توجه داشت. مطابق با این ماده، در مواردِ ایجادِ نقص در عقلِ شخص، مرتکب باید ارش پرداخت کند و تفاوتی نمی‌کند که جنایت بر اثر ایراد ضربه و جراحت پدید آمده باشد یا در نتیجه‌ی ترساندن و مانند آن. به دیگر سخن، منشأ ایجادِ نقص در منفعت مذکور حائز اهمیت تلقی نشده و قانون‌گذار با توجه به نتیجه‌ی حاصله از عمل ارتكابی، تعیین ارش را مقرر کرده است. به نظر می‌رسد که این حکم درباره‌ی ایجاد ترس از اِعمالِ خشونت نیز صادق باشد و در واقع، بتوان گفت که در چنین مواردی نیز منشأ ترس ایجاد شده در بزه‌دیده اهمیتی نداشته است و هر نوع رفتاری که موجب اثر یاد شده گردد، مرتکب را ملزم به پرداخت ارش خواهد کرد.

۴-۲. شرایط لازم برای تحقق جرم؛

در حقوق کیفری انگلستان، هنگامی می‌توان گفت که جرم تهاجم ساده (روانی) روی داده است که شرایطی به اثبات برسند. این شرایط عبارت‌اند از: غیرقانونی بودن و قریب‌الوقوع بودن خشونتِ مورد ترس. در ادامه، درباره‌ی این دو شرط توضیح داده می‌شود:

اولین شرط این است که خشونتی که بزه‌دیده از اِعمالِ آن هراسان می‌شود، باید وصفِ «غیرقانونی بودن»^۱ را دارا باشد؛ بنابراین، در صورتی که خشونتِ مورد ترس قانونی باشد، جرم تهاجم ساده تحقق نخواهد یافت. پرسشی که در اینجا پیش می‌آید، این است که خشونت چه زمانی قانونی محسوب می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که اگر عنف به کار گرفته شده در شرایط مورد نظر، با اِعمالِ یک ضابطه‌ی عینی^۲ معقول باشد، آنگاه، شخصی که سعی در توسل به آن می‌کند، به علت ترس ایجاد شده در بزه‌دیده مسئول نخواهد بود. برای مثال، هنگامی که پلیس در صدد برمی‌آید تا شخصی که دلایل ارتکاب جرم از سوی او بسیار متقن است را دستگیر کند و در اثر اقدامات پلیس، از قبیل محاصره‌ی خانه‌ی شخص و تلاش برای ورود به آن، ترس از اِعمالِ خشونت در شخص مربوط پدید می‌آید، جرم تهاجمِ روانی واقع نشده است.

1. Unlawfulness

۲. معیار این ضابطه، یک شخص متعارف (reasonable person) است که حسب مورد عکس‌العمل یا قضاوت او در جایگاه فرد مورد نظر بررسی می‌شود.

دومین شرط لازم برای تحقق تهاجم روانی، عبارت است از این که بزه‌دیده باید از اعمال «قرب‌الوقوع» خشونت بهراسد. تأکید در اینجا بر ویژگی قرب‌الوقوع بودن خشونت است که بزه‌دیده از به‌کارگیری آن هراسان می‌شود. این شرط به معنای آن نیست که تهدید به خشونت باید فوراً، در معنای چند ثانیه بعد، قابل اجرا شدن باشد، بلکه بزه‌دیده باید هراسان شده باشد که در آینده‌ی نزدیک متحمل خشونت غیرقانونی خواهد شد (کراس ۱۳۹۳: ۱۸۵). پس هرگاه شخصی تهدید به ایراد صدمه در سه هفته‌ی بعد شود، عمل ارتكابی برابر با تهاجم روانی نخواهد بود. به‌طور کلی شرط قرب‌الوقوع بودن به معنای آن است که مرتکب و بزه‌دیده در حضور یکدیگر باشند. با این حال، در پرونده‌ی اسمیت علیه سربازرس اداره‌ی پلیس واکینگ ۱۹۸۳^۱، نگاه کردن از طریق پنجره‌ی خانه‌ی زنی با قصد ترساندن وی، تهاجم تشخیص داده شد، به‌رغم این که هیچ ادله‌ای وجود نداشت که متهم سعی داشته تا وارد اتاق زن شود (See Herring, 2011: 102; Molan 2001: 763 & 764). در واقع، با وجود این که زن، متهم را از طریق پنجره‌ی بسته و قفل شده دیده بود و برای متهم کمی زمان می‌برد تا از پنجره رد شده و باعث خشونت غیرقانونی نسبت به بزه‌دیده شود، شرط قرب‌الوقوع بودن محرز دانسته شد. پرونده‌های آیرلند و کانستزا که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، نیز بر لزوم احراز این شرط تأکید دارند، چراکه این ترس در بزه‌دیدگان ایجاد شده بود که شخص تلفن‌کننده در طول مدت‌زمان کوتاهی به آن‌ها حمله کرده و دست به خشونت جسمانی بزند.

در مقابل، در حقوق کیفری ایران، با این که صرف ایجاد ترس از اعمال خشونت، عنوان مجرمانه‌ای است که عمدتاً در رویه‌ی قضایی به آن توجه شده است تا در مواد قانونی، اما می‌توان قائل به آن شد که وجود هر دو شرط پیش‌گفته لازم است. دلیل این امر آن است که اولاً، آن دسته از رفتارهایی که صفت قانونی بودن دارا هستند، از قبیل آنچه ضابطان دادگستری در راستای ایفای وظایف خود انجام می‌دهند، بی‌تردید در هیچ نظام کیفری‌ای نمی‌توانند منشأ رفتاری

1. Immediacy

2. *Smith v Chief Superintendent of Working Police Station* [1983]

مجرمانه باشند. البته، بدیهی است که در این رفتارها رعایت شرایطی ضروری می‌باشند، به نحوی که اگر مأمور مربوط از حدود وظایف خود خارج شود، ممکن است با لحاظ سایر شرایط به خاطر رفتار مجرمانه‌ای مانند ایجاد ترس از اعمال خشونت قابل تعقیب باشد (ر.ک. خالقی ۱۳۹۳: ۶۹-۴۷). ثانیاً، از رویه‌ی قضایی ایران می‌توان استنباط کرد، در مواردی که بزه‌دیده دچار استرس حاد یا ترس و وحشت شده بوده، فاصله زمانی‌ای که مرتکب می‌بایست برای اعمال خشونت جسمانی طی کند، کوتاه بوده، به گونه‌ای که می‌توانسته گفته شود که قریب‌الوقوع بوده است. در همین راستا، در رأی از دادگاه عمومی جزایی دزفول، متهمان که با ارتکاب رفتارهای مجرمانه‌ی توهین، تهدید و تخریب، به بزه‌دیده شوک عصبی (ترس و وحشت) وارد می‌کنند، از حیث ایجاد کردن ترس و وحشت در بزه‌دیده به پرداخت ارزش به میزان ۲/۵ درصد دیه‌ی کامل، طبق مواد ۳۶۷ و ۴۹۵ «ق.م.ا» ۱۳۷۰ [مواد ۴۴۹ و ۵۵۹ «ق.م.ا» ۱۳۹۲] و از جهت جرم تهدید به ۷۴ ضربه شلاق تعزیری، از نظر جرم تخریب به دو سال حبس تعزیری و برای جرم توهین و فحاشی به یک میلیون جزای نقدی، به استناد مواد ۶۰۸، ۶۷۷ و ۶۹۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، محکوم می‌شوند و رأی صادره در دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان و نیز دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار می‌گیرد.^۱ باید پذیرفت که در این پرونده، شرط قریب‌الوقوع بودن محرز بوده است، زیرا رفتارهای متهمان از جمله توهین و تهدید، موجب ایجاد ترس از خشونت فوری در بزه‌دیده می‌شدند.

در جهت تقویت مطلب بالا باید گفت، اصولاً در مواردی که بزه‌دیده باور دارد، در آینده‌ی نسبتاً دور ممکن است خشونت علیه او به کار گرفته شود، چندان احساس ترس نخواهد کرد،

۱. ر.ک. دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۹۴۰۹۴۵ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۴، شعبه‌ی ۹ دیوان عالی کشور (پژوهشگاه قوه‌ی قضائیه ۱۳۹۳: ۸۳ و ۸۴). به نظر می‌رسد که ماده‌ی ۶۹۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ که مستند محکومیت متهمان به جرم تهدید بوده است، صحیح نمی‌باشد، چراکه این ماده به جرم افتراء عملی اختصاص دارد و ماده‌ی ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مربوط به جرم تهدید است، اما در رأی چاپ شده در این مجموعه، ماده‌ی ۶۹۹ به عنوان مستند حکم ذکر شده است.

چرا که داشتن فرصت کافی برای اندیشیدن درباره‌ی تدبیر لازم، از جمله توسل به نهادهای قانونی تا اندازه‌ی زیادی از ایجاد ترس و وحشت جلوگیری می‌کند.

۴-۳. نتیجه‌ی مجرمانه؛

با توجه به این که تهاجم روانی، جرمی مقید^۱ به شمار می‌آید، تحقق نتیجه‌ی مجرمانه از رفتار ارتكابی متهم ضروری است. این نتیجه در جرم مورد بحث عبارت است از پدید آمدن ترس از اعمال خشونت در بزه‌دیده. آنچه در اینجا حائز اهمیت می‌باشد، ترس ایجاد شده در بزه‌دیده است، به طوری که اگر بزه‌دیده حرکات تهدید آمیز متهم را نبیند، یا باور نکند که تهدید به اجرا در خواهد آمد، تهاجم روانی تحقق نمی‌یابد. از این رو، اگر «الف» سعی کند که «ب» را با حرکات تهدید آمیز بترساند، اما «ب» فقط به او بخندد، چرا که حرکات او را خنده‌دار تلقی می‌کند، این جرم روی نداده است (Herring 2011: 102). البته، اگر شرایط به گونه‌ای باشد که به احتمال زیاد هیچ‌گونه ترس از این که خشونت فوراً به موقع اجرا گذاشته خواهد شد، پدید نیاید، تهاجم روانی محقق نمی‌شود، مانند آن که شخصی که در قطار به سرعت در حال حرکتی می‌باشد، با تکان دادن مُشت خود، دیگری را که در سکوی ایستگاه منتظر ایستاده است، تهدید کند (Card 2012: 178 & 179).

درواقع، آنچه باید بررسی شود، ایجاد هراس و وحشت در بزه‌دیده است، نه امکان اجرای تهدید از سوی مهاجم. در همین راستا، پرونده‌ی لوگان علیه دادستان ۱۹۷۶^۲ روشن می‌سازد که تا وقتی که بزه‌دیده هراسان است، در صورتی که اعمال خشونت در شرایط مورد نظر عملاً امکان‌پذیر نباشد، اهمیتی ندارد. در این پرونده، هنگامی که مالیات‌های مردی از سوی بازرس مالیاتی در حال بررسی شدن بود، وی کشویی را باز کرد و سلاحی را به بازرس نشان داد. مرد محکوم به تهاجم روانی شد. استدلال او مبنی بر این که قصد اعمال هیچ‌گونه تهدیدی را نداشته

1. Result offence

2. *Logdon v DPP [1976] Crim LR 121*

و نمی‌توانسته تهدید را اجرا کند، چراکه سلاح در حقیقت فقط یک سلاح تقلبی بوده است، نامربوط تشخیص داده شد. واقعیت این بود که متهم ترس از خشونت را در بزهدیده ایجاد کرده بود و همین برای محکوم شدن او به تهاجم ساده کافی بود. برعکس، طبق پرونده‌ی لم ۱۹۶۷، هرگاه بزهدیده از خشونت غیرقانونی هراسان نشده باشد، عنصر مادی تهاجم روانی ارتکاب نیافته است، حتی اگر بزهدیده در حقیقت متحمل خشونت غیرقانونی‌ای گردد که توسط متهم اعمال شده است (See also, Jefferson, 2013: 488; Fionda & Bryant, 2000: 26).

در هر حال، باید دانست که خشونت به معنای معمول خود (رفتاری همراه با عصبانیت و اذیت و آزار جسمی) نیست. به عبارت دیگر، در این جرم، ایجاد ترس از هرگونه لمس کردن ناخواسته کفایت می‌کند و علف یا خشونت غیرقانونی که بزهدیده از به کارگیری آن هراسان شده است، لازم نیست شدید باشد، مانند این که شخصی به دیگری بگوید: «تصمیم دارم که تو را بزنم» و به این وسیله، وی را تهدید کرده باشد (Martin & Storey, 2013: 363). علت این امر آن است که ایجاد ترس از خشونت در وهله‌ی اول تمامیت روانی بزهدیده را مورد تهاجم قرار می‌دهد و در این رابطه، شدت خاص خشونت مورد ترس در اصل ایجاد اختلال در سلامت روانی حائز اهمیت نیست، گرچه در مواردی که خشونت مورد تهدید شدیدتر است، چه بسا وضعیت روانی بزهدیده بیشتر دچار اختلال شود.

مطالب یادشده در خصوص تهاجم روانی در حقوق کیفری انگلستان بود، اما به نظر می‌رسد که بسیاری از آن‌ها در مورد ایجاد ترس از خشونت در حقوق کیفری ایران نیز صادق باشد. با این همه، باید پذیرفت که معنای خاصی که از خشونت اشاره شد، نمی‌تواند در نظام کیفری ایران مبنای صدور حکم به پرداخت ازش قرار گیرد، چراکه آنچه از مواد ۴۴۹ و ۵۵۹ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ برداشت می‌شود، به‌ویژه با در نظر گرفتن واژه‌ی «جنایت» در این مواد، بدون تردید عملی فراتر از صرف لمس کردن ناخواسته را به ذهن متبادر می‌کند.

افزون بر این، با اِعمال یک ضابطه‌ی ذهنی^۱ است که می‌توان گفت، ایجاد ترس در بزه‌دیده کافی است، حتی اگر در واقع امر مرتکب امکان به اجرا گذاشتن تهدیدات خود را نداشته باشد، این در حالی است که آراء یادشده از دادگاه‌های ایران حکایت از آن دارند که گرایش رویه‌ی قضایی به سوی ملاک قرار دادن ضابطه‌ای عینی است؛ با این توضیح که مرتکب یا در رسیدن به مقصود خود (مثلاً ایراد نوعی صدمه‌ی جسمانی) ناکام مانده است، یا به‌طور کلی، رفتارهای مرتکب به گونه‌ای بوده که ترس از خشونت در هر شخص متعارفی ایجاد می‌شده است. به دیگر سخن، صرف باور ایجادشده در بزه‌دیده کافی نخواهد بود، بلکه لازم است رفتار مرتکب قابلیت ایجاد چنین باوری را به‌طور عینی داشته باشد.

۵. عنصر روانی ایجاد ترس از اِعمال خشونت؛

برای محکومیت متهم به خاطر جرم ارتكابی، افزون بر عنصر مادی جرم، لازم است عنصر روانی آن نیز احراز گردد. عنصر روانی که باید همزمان با عنصر مادی محقق شود، همان‌طور که ماده‌ی ۱۴۴ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ نیز اشاره دارد، در جرایم مقید از دو جزء سوءنیت عام^۲ و سوءنیت خاص^۳ تشکیل می‌شود. جزء اول به معنای قصد ارتكاب رفتار فیزیکی جرم است و جزء دوم به معنای قصد نتیجه است. افزون بر این، ماده‌ی ۱۴۴ مقرر می‌دارد که در تحقق جرایم عمدی، علم مرتکب به موضوع جرم می‌بایست احراز گردد؛ که این مورد در واقع، لازمه‌ی قصد در ارتكاب رفتار مجرمانه می‌باشد. منظور از علم به موضوع در این ماده، اعم است از علم به موضوعی که جرم بر آن واقع می‌شود و علم به شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم (مصدق ۱۳۹۲: ۲۸۷)؛ بنابراین، از آنجا که ایجاد ترس از خشونت، جرم عمدی مقید به نتیجه است، اثبات اجزاء پیش گفته ضروری خواهد بود.

-
1. Subjective Test
 2. General Intent
 3. Specific Intent

با توجه به توضیحات یادشده، در هردوی نظام‌های کیفری ایران و انگلستان، لازم است مرتکب در ارتکاب رفتارهای ایجادکننده‌ی ترس عامد باشد که مستلزم آگاهی به ماهیت رفتار موردنظر است. پس هرگاه وی در نتیجه‌ی عواملی مانند تأثیرگذاری مواد مخدر استعمال شده یا خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) فاقد عمد در ارتکاب رفتار موردنظر باشد، جرم موردبحث تحقق نخواهد یافت. هم‌چنین، مرتکب باید قصد ایجاد ترس از خشونت^۱، به منزله‌ی سوءنیت خاص را دارا باشد؛ به این معنا که مرتکب با ارتکاب عامدانه‌ی رفتار مربوط قصد داشته باشد که ترس از اِعمال خشونت غیرقانونی و فوری را در بزهدیده ایجاد کند.

البته، باید متذکر شد که در حقوق انگلستان، به‌موجب پرونده‌ی ونا^۲ ۱۹۷۵، تهاجم روانی با بی‌پروایی نیز می‌تواند ارتکاب یابد. افزون بر این، طبق پرونده‌ی سویج^۳ پارمینتر ۱۹۹۱، بی‌پروایی ذهنی^۴ کفایت می‌کند، به این معنا که خود متهم باید این خطر را پیش‌بینی کند که ترس از خشونت قریب‌الوقوع در بزهدیده ایجاد خواهد شد، اما با این حال، به اِعمال خود ادامه دهد (For Further Reading, See Wilson, 2011: 297; Wells & Quick, 2010: 237 & 238; Finch & Fafinski, 2011: 136). درواقع، مرتکب نسبت به امکان ایجاد چنین تشویشی در بزهدیده بی‌تفاوت بوده است. برای مثال، اگر چارلز به‌عنوان شوخی ایمیل تهدیدآمیزی به ایلی ارسال کند، با عدم وقوف بر این که ممکن است ایلی آن را جدی تلقی کند، چارلز به علت تهاجم روانی مقصر نخواهد بود، اما اگر وی می‌دانسته که احتمال این که ایلی آن را جدی بگیرد، وجود دارد، مقصر می‌باشد (Herring, 2010: 59).

به‌هرحال، در حقوق ایران، بی‌پروایی که درواقع نوعی عنصر روانی پایین‌تر از قصد و بالاتر (یا شدیدتر) از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است^۵، نمی‌تواند به‌منزله‌ی عنصر روانی ایجاد ترس از

1. Intention to cause apprehension of violence

2. *Venna* (1975) 3 All ER 788

3. *Savage; Parmenter [1991] 1 AC 699*

4. Subjective Recklessness

۵. ممکن است استدلال شود که با توجه به حصری نبودن مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی در تبصره‌ی ماده‌ی ۱۴۵ «ق.م.ا»

می‌توان گفت که بی‌پروایی نیز گونه‌ای از مصادیق تقصیر جزایی در حقوق کیفری ایران است. در پاسخ باید یادآور شد که

خشونت در نظر گرفته شود، چراکه مطابق با ماده‌ی ۱۴۴ «ق.م.ا» ۱۳۹۲، در جرایمی که وقوع آن‌ها منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا «علم به وقوع آن» باید احراز شود. این مقررہ حاکی از آن است که «پیش‌بینی» که رکن مهم بی‌پروایی در حقوق انگلستان را تشکیل می‌دهد، نمی‌تواند به‌مثابه‌ی «علم» تلقی شود، به این دلیل که بی‌تردید علم داشتن به وقوع نتیجه، در مقایسه با پیش‌بینی آن، درجه‌ی بالاتری از حالت ذهنی محسوب می‌شود. ضمن این که در موارد پیش‌بینی نتیجه، این احتمال وجود دارد که آنچه پیش‌بینی شده است، اصلاً روی ندهد، یا این که مورد متفاوتی رخ دهد؛ اما در مواردی که علم به وقوع نتیجه وجود دارد، موارد یادشده اصولاً متصور نیست؛ بنابراین، در حقوق ایران، عنصر روانی ایجاد از ترس از خشونت محدود به قصد خاص ایجاد ترس در بزه‌دیده یا علم به ایجاد ترس و وحشت در او است و پیش‌بینی چنین نتیجه‌ای و نادیده گرفتن آن نمی‌تواند موجبات تحقق این جرم را فراهم آورد.

۶. مجازات ایجاد ترس از اعمال خشونت؛

مطابق با ماده‌ی ۳۹ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ مجازات تهاجم ساده (ایجاد ترس از اعمال خشونت) در انگلستان عبارت است از: جزای نقدی که از سطح ۵ درجه‌بندی پذیرفته شده [مقرر شده] تجاوز نکند، یا حبس تا حداکثر ۶ ماه و یا هر دوی این مجازات‌ها. بدیهی است که با توجه به تعیین حداکثر مجازات از سوی قانون‌گذار انگلیسی، قاضی رسیدگی کننده می‌تواند با لحاظ اوضاع و احوال خاص هر پرونده به میزان مجازاتی که متناسب تشخیص می‌دهد، حکم کند (See also, Hooper & Ormerod, 2011: 241).

جمله‌ی نخست تبصره‌ی مذکور تقصیر جزایی را به دو نوع بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی محدود کرده است که در هر دوی آن‌ها مرتکب در پیش‌بینی خطر قصور می‌ورزد، نه این که خطر را پیش‌بینی کند و سپس آن را نادیده بگیرد؛ آن‌طور که در بی‌پروایی روی می‌دهد؛ بنابراین، باید قائل به آن شد که بی‌پروایی از تمامی مصادیق تقصیر جزایی در حقوق کیفری ایران شدیدتر است، طوری که در حقوق انگلستان، گاهی اوقات جرایم عمدی با این حالت ذهنی نیز قابل تحقق دانسته می‌شوند و در هر صورت، نباید معنای آن‌ها را با یکدیگر خلط کرد؛ برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی مفهوم بی‌پروایی در حقوق کیفری انگلستان، ر.ک. کلارکسون ۱۳۹۰: ۹۸ تا ۱۰۹؛ چاپلدز ۱۳۸۸: ۴۶ تا ۵۱؛ جکلین ۱۳۹۱: ۴۰ تا ۴۴.

اما در ایران، دادگاه‌ها با در نظر گرفتن حکم کلی مذکور در ماده‌ی ۵۵۹ «ق.م.ا» و لحاظ کردن مفاد ماده‌ی ۴۴۹ این قانون مبادرت به تعیین ارش در موارد ایجاد ترس از خشونت یا استرسِ حاد می‌کنند^۱. با این حال، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، افزون بر مواد مذکور، برخی مواد نیز وجود دارند که به صورت خاص به موضوع تعیین ارش در موارد ایجاد ترس یا اختلال روانی^۲ اشاره دارند. این موارد به شرح زیر قابل توجه می‌باشند:

ماده‌ی ۶۷۶ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در زوال و نقصان حافظه و نیز اختلال روانی، در صورتی که به حد جنون نرسد، ارش ثابت است»؛

ماده‌ی ۷۰۸ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ اعلام داشته است: «از بین بردن یا نقص دائم یا موقت حواس یا منافع دیگر مانند لامسه، خواب و عادت ماهانه و نیز به وجود آوردن امراضی مانند لرزش، تشنگی، گرسنگی، ترس و غش موجب ارش است».

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، از یک طرف، موضوع ایجاد ترس و وحشت به طور خاص مورد توجه قرار نگرفته بود و از طرف دیگر، ماده‌ی ۳۶۷ این قانون که به حکم کلی تعیین ارش اشاره داشت، به مواردی مربوط می‌شد که جنایتی بر عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد. از جمله این موارد می‌توان به تعیین ارش بابت آسیب زُندِ اعلی (استخوان نازک و کوتاه‌تر ساعد که در امتداد شست قرار دارد) که دچار محدودیت حرکتی شده است، اشاره کرد^۳. به تعبیر دیگر، ماده‌ی اخیرالذکر به جایی که صدمه‌ای بر منافع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. هم چنین، ر.ک. دادنامه‌ی شماره‌ی ۳۰۱۱۵۸، ۲۷۰۳۰، ۹۲۰۹۷۷۰ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۶، شعبه‌ی ۵۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ مبنی بر این که استرس ناشی از منازعه که منجر به بستری شدن شاکی در بیمارستان شود، مستوجب ارش است (پژوهشگاه قوه‌ی قضائیه ۱۳۹۵: ص ۶۳۱).

۲. باید پذیرفت که اگر مرتکب با اعمال خود سعی در ایجاد وحشت یا استرسِ حاد در دیگری کند، حداقل در برخی موارد، بزه دیده دچار نوعی اختلال روانی می‌شود.

۳. ر.ک. دادنامه‌ی شماره‌ی ۷۷۸ مورخ ۱۳۸۶/۶/۶، شعبه‌ی ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران (زندگی ۱۳۹۰: ۹۴ و ۹۵).

شخص وارد می‌آید، تصریحی نداشت. اداره‌ی حقوقی قوه قضائیه هم در نظریه‌های خود به نوعی بر لزوم ایراد صدمه بر جسم بزه‌دیده تأکید می‌کرد. برخی از این نظریه‌ها به‌قرار زیر می‌باشند:

نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۸۷۳۱ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۳:

«شمول ماده‌ی ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی بر فعل جانی، مستلزم انجام یک عمل فیزیکی است که بر اثر آن بر مجنی‌علیه صدمه‌ای وارد شود که در قانون برای آن دیه تعیین نشده و به آن ارش تعلق می‌گیرد و چون در خصوص مورد استعلام از ناحیه‌ی مشتکی‌عنه هیچ‌گونه ضرب و جرحی به شاکی وارد نشده، لذا مورد مشمول مقررات ماده‌ی ۳۶۷ قانون مذکور نخواهد شد»؛

نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۱۴۲۲ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۶:

«به‌صراحت ماده‌ی ۳۶۷ ق.م.ا. پرداخت ارش از ناحیه‌ی جانی مربوط به جنایتی است که بر عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی به‌عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد و چون به‌موجب مواد ۴۱۸ و ۴۲۸ قانون مذکور دیه‌ی از بین بردن هر کدام از پاهای تا مفصل مچ نصف دیه‌ی کامل تعیین شده است، بنابراین چنانچه جنایت مورد سؤال از مصادیق مواد ۴۱۸ و ۴۲۸ ق.م.ا. باشد، باید برای آن دیه تعیین شود نه ارش، مگر آن که جرح وارده به کیفیتی باشد که باعث قطع و از بین بردن پا نشده باشد، بلکه به نوعی ایجاد نقص عضو نموده باشد که در این صورت مورد از موارد تعیین ارش خواهد بود»؛

علت تأکید بر صدمه‌ی جسمانی و عدم توجه به صدمات وارده بر منافع (که بعضی از آن‌ها باید در زمره‌ی صدمات روانی در نظر گرفته شوند، از جمله ایجاد ترس یا اختلال روانی) در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و نظریه‌های فوق، آن است که فقهای امامیه اغلب در تبیین مفهوم ارش به نوعی بر ایراد صدمه بر عضوی از اعضای بدن تأکید دارند (از جمله ر.ک. النجفی ۱۳۸۴ ه.ش.:: ۱۶۸؛ گرجی و همکاران ۱۳۸۲: ۱۱۱)، به‌نحوی که این امر موجب شده است که برخی نویسندگان

۱. هم‌چنین، ر.ک. نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۵۴۳۳ مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۴ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه (مذکور در زراعت (ب) ۱۳۹۳: ۴۵ و ۴۶).

در توضیح معنای ارش، بر خسارت وارده بر عضو یا خسارت‌های جسمانی تأکید کنند (ر.ک. زراعت ۱۳۹۲: ۶۰۵، ذیل ماده‌ی ۵۵۹)، اما این به معنای عدم جواز تعیین ارش در جنایت بر منافع نمی‌باشد، به طوری که برخی فقهای امامیه تصریح کرده‌اند که در مورد منفعی که برای آن‌ها دیه مقدر تعیین نشده است، از جمله به وجود آوردن ترس، باید ارش تعیین شود^۱. با این وجود، به نظر می‌رسد که تجویز تعیین ارش از سوی فقها در مورد ایجاد ترس محدود به جایی است که رفتار ارتكابی موجب نوعی ترس مستمر در بزه‌دیده می‌شود. به تعبیر دیگر، اگرچه کلام فقها در این رابطه اطلاق دارد، با این همه، ظاهراً ایجاد ترس لحظه‌ای از اِعمالِ خشونت در دیگری، مجوزی برای تعیین ارش نیست. با پذیرش این دیدگاه، باید قائل به آن شد که گونه‌ای از خلأ قانونی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ وجود دارد، به طوری که ایجاد ترس لحظه‌ای از اِعمالِ خشونت دارای ضمانت اجرای کیفری نمی‌باشد.

به هر حال، احکام دادگاه‌های کیفری ایران که در بحث‌های پیشین بررسی شدند، حکایت از آن دارند که در رویه‌ی قضایی حتی قبل از تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تمایل به تعیین ارش در موارد ایجاد ترس و وحشت وجود داشته است. مضافاً بر این که چه بسا بتوان گفت که رویکرد دادگاه‌های کیفری ایران مبنی بر تعیین ارش در مورد ایجاد ترس از اِعمالِ خشونت ناظر به جایی است که بزه‌دیده دچار ترس و وحشت مستمری می‌شود و استفاده از اصطلاح‌هایی مانند «استرسِ حاد» در آراء اشاره‌شده مؤید این امر است. البته، از آنجاکه ایجاد استرس حاد لحظه‌ای نیز قابل تصور است، دیدگاه مخالف را نمی‌توان با قاطعیت رد کرد، اما باید پذیرفت که استرس حاد و ترس شدید، یا اثرات آن‌ها، غالباً در برهه‌ی زمانی طولانی تداوم می‌یابد.

۱. «فی ذهاب المنافع التي لم يقدر لها دية الحكومه، كالنوم و اللمس و حصول الخوف ...» (موسوی خمینی بی تا: ۴۲۱؛ الفاضل اللکرانی ۱۴۳۲ ه. ق.: ۳۶۶).

۷. وجوه افتراق و اشتراک نظام‌های کیفری ایران و انگلستان؛

با در نظر گرفتن مباحث طرح شده در بندهای پیشین، مهم‌ترین وجوه افتراق و اشتراک دو نظام کیفری ایران و انگلستان، در خصوص ایجاد ترس از اعمال خشونت، در جدول زیر ذکر می‌شود:

<p>ایجاد ترس از اعمال خشونت به مثابه تهاجم علیه تمامیت روانی اشخاص</p>
<p>الف. عنصر قانونی</p>
<p>در حقوق کیفری انگلستان، قانون‌گذار انگلیسی، ایجاد ترس از خشونت را به‌طور خاص مورد جرم‌انگاری قرار داده و برای آن عنصر قانونی معینی در نظر گرفته است، اما در حقوق کیفری ایران، اگرچه رویه‌ی قضایی با استناد به حکم کلی تعیین ارش در موارد عدم تعیین دیه‌ی مقدر، قائل به تعیین ارش در موارد ایجاد وحشت و استرس حاد شده است، با این وجود، قانون‌گذار ایرانی چنین رفتاری را به‌طور ویژه مورد توجه قرار نداده است. البته، در برخی مواد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به امکان صدور حکم ارش در موارد ایجاد اختلال روانی یا ترس تصریح شده است.</p>
<p>ب. عنصر مادی</p>
<p>۱. رفتار فیزیکی لازم برای تحقق ایجاد ترس از خشونت در هر دو نظام کیفری مورد محدود به گونه‌ی خاصی نشده است، به‌طوری‌که افزون بر فعل یا ترک فعل، ممکن است با گفتار نیز محقق شود.</p> <p>۲. شرایط تحقق عنوان مجرمانه‌ی مورد بحث در هر دو نظام حقوق ایران و انگلستان مشابه هستند. این شرایط عبارت‌اند از: غیرقانونی بودن و قریب‌الوقوع بودن خشونت مورد ترس.</p> <p>۳. هرچند ایجاد ترس از اعمال خشونت هم در نظام کیفری ایران و هم در نظام کیفری انگلستان از جرایم مقید به شمار می‌آید، اما مفهوم خشونت در این دو نظام کیفری با یکدیگر متفاوت است. توضیح این‌که در انگلستان، صرف لمس کردن ناخواسته‌ی بزه‌دیده کفایت می‌کند، اما در ایران، امکان تعیین ارش در موارد ارتکاب «جنایت»، رفتاری شدیدتر از لمس کردن را به ذهن متبادر</p>

می‌کند. افزون بر این، در حقوق انگلستان، با اِعمالِ یک ضابطه‌ی ذهنی، حتی در صورت عدم امکان به اجرا گذاشته شدن تهدیدات از سوی مرتکب، این جرم محقق می‌شود. این در حالی است که گرایش دادگاه‌های ایران به ضابطه‌ی عینی است، به این معنا که صرفاً به باور ایجادشده در بزهدیده اکتفا نمی‌شود، بلکه رفتار ارتكابی از سوی مرتکب باید قابلیت ایجاد ترس از خشونت را به‌طور عینی داشته باشد.

ج. عنصر روانی

عنصر روانی جرم ایجاد ترس از خشونت در ایران و انگلستان از دو جزء سوءنیت عام (عمد ارتکاب رفتار ارتكابی) و سوءنیت خاص (قصد ایجاد ترس در بزهدیده) تشکیل شده است؛ و این در واقع وجه مشترک این دو کشور در زمینه‌ی عنوان مجرمانه‌ی یادشده است. با این وجود، در انگلستان، این عمل مجرمانه با بی‌پروایی (البته از نوع ذهنی) نیز ارتکاب می‌یابد.

د. مجازات

در نظام کیفری انگلستان، مجازات تهاجم ساده عبارت است از: جزای نقدی تا حداکثر سطح ۵ در درجه‌بندی پذیرفته‌شده [مقررشده]، یا حبس تا شش ماه و یا هر دوی این مجازات‌ها؛ اما در نظام کیفری ایران، تنها واکنش پیش‌بینی‌شده در موارد ایجاد ترس و وحشت، تعیین ارش است.

۸. برآمد؛

اگرچه رویکرد فعلی دادگاه‌های ایران، مبنی بر تعیین ارش در موارد ترس از اِعمالِ خشونت تا حدودی بر کم‌توجهی قانون‌گذار ایرانی به صدمات روانی سرپوش گذاشته است، با این وجود، تعیین صرف ارش برای ایجاد ترس از اِعمالِ خشونت فوری قابل انتقاد می‌باشد. دلیل عمده‌ی این انتقاد، اثراتی است که ایجاد ترس در بزهدیده، بر سلامتی روانش می‌گذارد، به‌طوری که گاهی اوقات ممکن است به نوعی حالت یا حتی بیماری روانی منتهی شود. افزون بر این، اهمیت ترس از جرم و خشونت به‌طور کلی، موجب شده است که این موضوع به‌طور مستقل در علم

جرم‌شناسی مورد تحقیق قرار گیرد (ر.ک. مگوایر و همکاران ۱۳۹۳: ۸۴۸ تا ۸۵۱؛ فارال و همکاران ۱۳۹۲؛ Lee & Farrall 2008) و در برخی قوانین خاص، وارد آوردن صدمه‌ی روانی و به خطر انداختن سلامت روانی اشخاص ممنوع اعلام شده و مستوجب مجازات دانسته شده است (ر.ک. مواد ۳ و ۴ از قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱). بر این اساس، به نظر می‌رسد، مناسب است که قانون‌گذار ایرانی، راهکارهایی مانند موارد زیر را در نظر داشته باشد:

• جرم‌انگاری مستقل ایجاد ترس از خشونت قریب‌الوقوع:

نظر به این که سلامت روانی اشخاص به‌اندازه‌ی سلامتی جسمانی آن‌ها حائز اهمیت است و در پاره‌ای موارد، حتی ممکن است بتوان قائل به آن شد که وضعیت روانی شخص مهم‌تر از وضعیت جسمانی او است، مانند این که شخصی یکی از دستانش قطع شده است، اما به علت برخوردار بودن از سلامت روانی چندان فقدان عضو خود را احساس نکند، در مقایسه با شخصی که دچار ناراحتی‌های بسیار شدید روانی است، به گونه‌ای که نمی‌تواند از سلامتی جسمانی خود بهره‌مند شود، ضروری است که قانون‌گذار ایرانی، هم‌چون رویکرد اتخاذشده در نظام کیفری انگلستان، رفتارهای ایجادکننده‌ی ترس از خشونت، اعم از ترس لحظه‌ای یا مستمر را به‌عنوان رفتارهای مجرمانه‌ی مجزایی در قانون مجازات کشور پیش‌بینی کند.

مبنای جرم‌انگاری این دسته از رفتارها هم‌چنین می‌تواند در آنچه با عنوان «حرمت ایداء مؤمن» در روایات اشاره شده است (از جمله ر.ک. کلینی ۱۴۰۷ ه.ق. ج ۲/۳۵۰)، جست‌وجو شود؛ زیرا اشخاصی که به نحوی موجبات ایداء بندگان مؤمن را فراهم می‌آورند، مشمول غضب پروردگار قرار می‌گیرند.

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَأْذَنَ بِخَرْبِ مِئِي مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لِيَأْمَنَ غَضَبِي مَنْ أكرمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ مِنْ خَلْقِي فِي الْأَرْضِ فِيمَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ لَأَسْتَعْنَيْتُ بِعِبَادَتِهِمَا عَنْ جَمِيعِ مَا خَلَقْتُ فِي أَرْضِي وَ لَقَامَتِ سَبْعُ سَمَاوَاتٍ وَ أَرْضِينَ بِهِمَا وَ لَجَعَلْتُ لَهُمَا مِنْ إِيْمَانِهِمَا أَنَسًا لَا يَخْتَاجَانِ إِلَيَّ أَنَسٍ سِوَاهُمَا».

• **تعیین مجازات تعزیری متناسب با وضعیت روانی بزهدیده:**

در این راستا، قانون‌گذار می‌تواند بین مواردی که بزهدیده صرفاً هراسان می‌شود و جایی که افزون بر آن، به نوعی حالت یا بیماری روانی خفیف یا شدید دچار می‌شود، تفکیک قائل شود و برای هر یک از آن‌ها مجازات تعزیری متناسبی در نظر بگیرد. هم‌چنین، طول مدتی که بزهدیده دچار ترس یا حالت روانی می‌شود، می‌تواند در تعیین مجازات تعزیری لحاظ شود. برای مثال، قانون‌گذار با توجه به کمتر یا بیشتر بودن مدتی که بزهدیده دچار حالت‌های یادشده می‌گردد، محدوده‌ای از میزان مجازات را تعیین کند و سپس، تصمیم‌گیری نهایی را بر عهده‌ی مرجع رسیدگی‌کننده به پرونده قرار دهد.



منابع؛

فارسی و عربی

- آقائی، بهمن. (۱۳۸۲). فرهنگ حقوقی بهمن، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابخانه‌ی گنج دانش.
- استفانی، گاستون و همکاران. (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی، ترجمه‌ی حسن دادبان، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- الفاضل اللنکرانی، الشیخ محمد. (۱۴۳۲ه.ق.). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، کتاب الدیات، الطبعة الاولى، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار.
- النجفی، الشیخ محمد حسن. (۱۳۸۴ ه.ش.). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، المجلد ۴۳، الطبعة الاولى للناسر، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ایرانی ارتباطی، بابک [گردآورنده]. (۱۳۸۶). مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- ایرانی ارتباطی، بابک [گردآورنده]. (۱۳۸۷). مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- پژوهشگاه قوه‌ی قضائیه. (۱۳۹۳). مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)، دی ماه ۱۳۹۱، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه‌ی قضائیه.
- پژوهشگاه قوه‌ی قضائیه. (۱۳۹۵). مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، سال ۱۳۹۲، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه‌ی قضائیه.
- پورافکاری، نصرت‌الله. (۱۳۹۱). فرهنگ جامع روان‌شناسی- روان‌پزشکی و زمینه‌های وابسته، انگلیسی به فارسی، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- پورباقرانی، حسن. (۱۳۹۰). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.

- پیمانی، ضیاءالدین. (۱۳۸۹). *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ هشتم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- جکلین، مارتین. (۱۳۹۱). *متون حقوقی جزایی؛ حقوق کیفری انگلستان*، مسائل کلیدی، ترجمه‌ی مجید شعبانی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- چایلدرز، پنی. (۱۳۸۸). *گزیده‌ی رویه‌ی قضایی انگلستان در امور کیفری*، ترجمه‌ی آوا واحدی نوایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- حاجی ده‌آبادی، احمد و اعتمادی، امیر. (۱۳۹۴). *اخاذی در حقوق کیفری ایران و انگلستان*، فصلنامه‌ی مطالعات حقوقی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴، صص ۵۶ - ۳۱
- خالقی، علی. (۱۳۹۳). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ دوم، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- زراعت، عباس (الف). (۱۳۹۳). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، حدود (سبّ النبی، مصرف مسکر، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی الارض)*، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه.
- زراعت، عباس (ب). (۱۳۹۳). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، مبحث دیات*، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۲). *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس.
- زندی، محمدرضا [تدوین کننده]. (۱۳۹۰). *رویه‌ی قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور کیفری، دیه و اعسار از آن*، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی. (۱۳۷۸). *بایسته‌های فقه جزا*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- شهید ثانی. (۱۳۹۲). *شرح لمعه*، ترجمه‌ی علی شیروانی، جلد سیزدهم؛ حدود، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات دارالعلم.

- فارال، استفن و همکاران. (۱۳۹۲). *نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر*، ترجمه‌ی حمیدرضا نیکوکار، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- فاضل لنکرانی، شیخ محمد. (۱۳۹۰). *آیین کیفری اسلام*، شرح فارسی تحریر الوسیله (حدود)، تقریر و تنظیم از اکبر ترابی، جلد سوم، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار.
- کار، کلودیا و جانسن، مورین. (۱۳۹۶). *سرآغازی بر حقوق کیفری انگلستان و ویلز*، ترجمه‌ی امیر اعتمادی، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- کراس، نوئل. (۱۳۹۳). *درآمدی بر حقوق کیفری و عدالت کیفری در انگلستان و ویلز*، ترجمه‌ی امیر اعتمادی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- کلارکسون، کریستوفر. (۱۳۹۰). *تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی*، ترجمه‌ی حسین میرمحمد صادقی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- کلارکسون، کریستوفر. (۱۳۹۱). *حقوق جزای اختصاصی انگلستان و نقش حقوق جزا در جامعه*، ترجمه‌ی حسین میرمحمد صادقی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ه. ق.). *الکافی*، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- گرجی، ابوالقاسم و همکاران. (۱۳۸۲). *دیات*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مصدق، محمد. (۱۳۹۲). *شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جنگل.
- مگوایر، مایک و همکاران. (۱۳۹۳). *دانشنامه‌ی جرم‌شناسی آکسفورد*، ترجمه‌ی حمیدرضا ملک محمدی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۷). *فقه تطبیقی، بخش جزایی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.

- موسوی خمینی، روح‌الله. (بی‌تا). *تحریر الوسیله*، ترجمه‌ی علی اسلامی، جلد چهارم، بی‌چاپ، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۲). *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ بیست و یکم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- هرینگ، جاناتان. (۱۳۹۲). *مبانی حقوق کیفری انگلستان*، ترجمه‌ی امیر اعتمادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.

انگلیسی

- Card, Richard, Card. (2012). *Cross and Jones Criminal Law*, Twentieth Edition, London, Oxford University Press.
- Carr, Claudia and Johnson, Maureen. (2013). *Beginning Criminal Law*, London, Routledge, First Published.
- Curzon, L. B. and Richards, P. H. (2007). *The Longman Dictionary of Law*, Seventh Edition, London, Pearson Education Limited.
- Finch, Emily and Fafinski, Stefan. (2011). *Criminal Law (Law Express Series)*, Third Edition, London, Pearson Education Limited.
- Fionda, Julia and Bryant, Michael J. (2000). *Briefcase on Criminal Law*, Second Edition, London, Cavendish Publishing Limited.
- Geary, Roger. (2002). *Understanding Criminal Law*, London, Cavendish Publishing Limited, First Published.
- Herring, Jonathan. (2011). *Criminal Law*, Eighth Edition, London, Palgrave Macmillan.
- Herring, Jonathan. (2010). *Criminal Law: The Basics*, First published, London, Routledge.
- Hill, Gerald N. and Thompson Hill, Kathleen. (2009). *Nolo's Plain-English Law Dictionary*, 1st Edition, California, Delta Printing Solutions, Inc.
- Hooper, Anthony and Ormerod, David. (2011). *Blackstone's Criminal Practice 2012*, 22nd Edition, New York, Oxford University Press.
- [Http://www.legislation.gov.uk/](http://www.legislation.gov.uk/).
- Huxley-Binns, Rebecca and Martin, Jacqueline. (2014). *Unlocking the English Legal System*, Fourth Edition, London, Routledge.
- Jefferson, Michael. (2013). *Criminal Law*, Eleventh Edition, London, Pearson Education Limited.

- Lee, Murray and Farrall, Stephen. (2008). *Fear of Crime: Critical Voices in an age of Anxiety*, New York, Routledge-Cavendish, First Published.
- Loveless, Janet. (2012). *Complete Criminal Law; Text, Cases, and Materials*, Third Edition, London, Oxford University Press.
- Martin, Jacqueline, Storey, Tony. (2013). *Unlocking Criminal Law*, Fourth Edition, London, Routledge.
- Molan, Michael. (2001). *Sourcebook on Criminal Law*, Second Edition, London, Cavendish Publishing Limited.
- Storey, Tony and Lidbury, Alan. (2009). *Criminal Law*, Fifth Edition, London, Routledge.
- Wells, Celia and Quick, Oliver, Lacey. (2010). *Wells and Quick: Reconstructing Criminal Law; Text and Materials*, Fourth Edition, New York, Cambridge University Press.
- Wilson, William. (2011). *Criminal Law; Doctrine and Theory*, Fourth Edition, London, Pearson Education Limited.





Causing Fear of Application of the Violence as an Assault Against the Person's Psychical Integrity, in Iranian and English Criminal Systems

Sayyed Mohammad Hoseini¹ ° Amir E etmadi²

(Received: 15/ 05/ 2016 - Accepted: 17/ 01/ 2017)

Abstract

Although the result of criminal behaviour against the person is often shown as some sort of physical injury, but in some cases, the committed behavior may cause the victim to fear and panic, fear that violence will be used against themselves in the near future. In these situations, the victim without takes action against themselves or another, because of the fear created, such as inflicting some harm, suffers some kind of psychological harm, so that it can be said that their psychical integrity is assaulted. In the English criminal system, this type of assault has a certain criminal title, But Iranian lawmaker do not pay attention to committing such conducts specifically, so the courts have to determine *Arsh*. However, comparative study of the mentioned behaviors in the two Iranian and English criminal systems indicates the need to criminalize, and also to determine the appropriate *Taeziri* punishment for them, in particular..

Keywords: Assault, Fear, Application of violence, Immediacy

1. Associate Professor of Criminal Law and Criminology, University of Tehran.
2. LLD in Criminal Law and Criminology (Corresponding Author):
Am.etemadi@gmail.com